



فهرست مطالب

۲مقدمه
۲معنای دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب
۲تقریرهای مختلف از دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب
۳تقریر مرحوم نائینی از دلالت عقلی
۳تقریر آقای حائری از دلالت عقلی
۳تقریر مرحوم امام خمینی از دلالت عقلی
۴تقریر آقای خویی از دلالت عقلی
۴اشکال: مقدمات حکمت مبین موضوع حکم عقل



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث و کلام در بررسی وجوهی است که برای دلالت صیغه امر بر وجوب ذکر شده است در جلسه قبل دو نظریه دلالت وضعی و دلالت بالانصراف بررسی و رد شد و بررسی نظریه دلالت عقلی را شروع کردیم.

معنای دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب

اینکه می‌گوییم صیغه امر به حکم عقل دلالت بر وجوب می‌کند به این معنا نیست که در وضع صیغه امر وجوب لحاظ شده است و یا اینکه صیغه امر انصراف به وجوب و الزام دارد و یا اینکه مقدمات حکمت دلالت بر وجوب دارد. کما اینکه در اطلاق دلیل و دوران بین وجوب عینی و کفایی، به واسطه مقدمات حکمت وجوب عینی را کشف می‌کنیم بلکه به این معنا است که صدور صیغه امر از شارع موضوع یک حکم عقلی قرار می‌گیرد نظیر این بحث در بحث وجوب مقدمه واجب مطرح شده است که امر به شیء مستلزم امر به مقدمات آن هست و عقل به وجوب مقدمات حکم می‌کند و این وجوب از حیثه وضع و دلالت مطابقی و تضمینی و یا انصراف و یا مقدمات حکمت به دست نمی‌آید بلکه عقل، حکم به این ملازمه می‌کند البته این حکم عقل، ممکن است گاهی واضح و در حد لزوم بین به معنای خاص و دلالت التزامی باشد که با تصور ملزوم پی به لازم می‌بریم و گاهی در حد لزوم بین به معنای عام باشد یعنی ابتدا باید دو طرف ملازمه تصور شود و سپس این ملازمه فهمیده شود و گاهی هم لزوم غیر بین است یعنی علاوه بر تصور لازم و ملزوم باید بر این ملازمه استدلال هم آورده شود. ولی در هر حال حکم عقل این است که امر مولا را باید اطاعت کرد.

تقریرهای مختلف از دلالت عقلی صیغه امر بر وجوب

در تبیین حکم عقل بر دلالت صیغه امر بر وجوب، تقریرهای متفاوتی وجود دارد که البته این تقریرهای مختلف به هم نزدیک می‌باشند و که در ادامه به چهار تقریر اشاره می‌کنیم. البته نمی‌توان گفت این چهار تقریر چهار استدلال می‌باشند بلکه چهار بیان از یک استدلال می‌باشند که وجه مشترک آن‌ها این است که هر جا امر از شارع صادر شد و ترخیصی هم در بین نبود، عقل حکم به وجوب امتثال می‌کند.



تقرير مرحوم نائینی از دلالت عقلي

خلاصه تقرير مرحوم نائینی از حکم عقل بر دلالت صیغه امر بر وجوب این است که کل طلب یصدر من المولی و لم یقترن بالترخیص یحکم العقل بلزوم امتناله؛ یعنی هر طلبی که از مولی صادر شود و قرینه بر ترخیص وجود نداشته باشد عقل حکم به لزوم امتثال آن طلب می‌کند.

تقرير آقای حائری از دلالت عقلي

عبارت مرحوم حائری مؤسس حوزه در درر الفوائد این است «هل الصیغة حقيقة فی الوجوب او فی الندب او فیهما علی سبیل الاشتراك اللفظی او المعنوی؟ وجوه. اقواها الاخير و لكنها عند الاطلاق تحمل علی الأول؛ و لعل السر فی ذلك ان الإرادة المتوجهة الی الفعل تقتضی وجوده لیس إلّا و الندب انما یأتی من قبل الاذن فی الترك منضماً الی الإرادة المذكورة، فاحتاج الندب الی قید زائد بخلاف الوجوب، فانه یکفی فی تحقق الارادة و عدم انضمام الرخصة فی الترك الیها؛ و هل الحمل علی الوجوب عند الاطلاق یحتاج الی مقدمات الحکمة و حیثما اختلفت لزوم التوقف ام لا؟ بل یحمل علی الوجوب عند تجرد القضية اللفظیة من القید المذكور، الاقوی الثانی: لشهادة العرف بعدم صحة اعتذار العبد عن المخالفة باحتمال الندب و عدم کون الامر فی مقام بیان القید الدال علی الرخصة فی الترك؛ و نظیر ما ذکرنا هنا من استقرار الظهور العرفی بمجرد عدم ذکر القید فی الکلام» یعنی اراده متوجه به فعل مقتضی این است که فعل حتماً باید امتثال شود و حمل بر استحباب نیاز به وجود قرینه دارد و در ادامه برای اینکه دفع توهم کنند می‌فرمایند این حمل بر وجوب از باب اطلاق و مقدمات حکمت نیست بلکه همین‌که قید و قرینه در کلام نبود عقل حکم به وجوب امتثال می‌کند.

تقرير مرحوم امام خمینی از دلالت عقلي

تقرير مرحوم امام خمینی از حکم عقل در تهذیب الاصول این است «و لا ریب فی حکمهم بلزوم إطاعة الأوامر الصادرة من المولی، من غیر توجه الی التشکیک العلمی؛ من احتمال کونه صادراً عن الإرادة غیر الحتمیة، أو ناشئاً عن المصلحة غیر الملزمة؛ و لیس ذلك لدلالة لفظیة أو لجهة الانصراف أو لاقتضاء مقدمات الحکمة أو لكشفه عن الإرادة الحتمیة، بل لبناء منهم علی أن بعث المولی لا یترك بغير جواب، كما لا یترك باحتمال الندب. فتمام الموضوع لحکمهم بوجوب الطاعة هو نفس البعث ما لم یرد فیہ الترخیص»



البته در کلام مرحوم امام خمینی تعبیر به بنای عقلا وجود دارد ولی ظاهراً منظور همان حکم عقل در رابطه بین مولی و موالی هست.

تقریر آقای خوبی از دلالت عقلی

آقای خوبی به خاطر اختلافی که با مشهور در حقیقت وضع و انشا دارند موضوع امر را بعث نمی‌دانند ایشان حقیقت انشا توسط شارع را ابراز امر نفسانی که اعتبار و جعل فعل بر ذمه مکلف باشد، می‌داند و می‌فرماید مقام عبودیت و مولویت، وجوب و الزام را اقتضا می‌کند عبارت آقای خوبی در محاضرات این است «و نتیجه ما ذکرناه: امران: الأول أن صیغة الأمر أو ما شاكلها موضوعة للدلالة على إبراز الأمر الاعتباری النفسانی، وهو اعتبار الشارع الفعل على ذمة المكلف، ولا تدل على أمر آخر ما عدا ذلك. الثاني أنها مصداق للطلب والبعث لا أنّها معناها و من ذلك يظهر: أن الصیغة كما لا تدل على الطلب والبعث، كذلك لا تدل على الحتم والوجوب. نعم، يحكم العقل بالوجوب بمقتضى قانون العبودية والمولوية فيما إذا لم ينصب قرينة على الترخيص. أو فقل: إن الصیغة كما عرفت موضوعة للدلالة على إبراز الأمر الاعتباری فی الخارج، ولا تدل على ما عدا ذلك، إلّا أن العقل يحكم بأن وظيفة العبودية والمولوية تقتضى لزوم المبادرة والقيام على العبد نحو امتثال ما أمره به المولى واعتبره على ذمته، وعدم الأمن من العقوبة لدى المخالفة إلّا إذا أقم المولى قرينة على الترخيص وجواز الترك».

اشکال: مقدمات حکمت مبین موضوع حکم عقل

نمی‌توان گفت این چهار تقریر چهار استدلال می‌باشند، بلکه چهار بیان از یک استدلال می‌باشند که وجه مشترک آنها این است که هر جا امر از شارع صادر شد و ترخیصی هم در بین نبود، عقل حکم به وجوب امتثال می‌کند. اشکال اساسی که بر تقریرهای مختلف حکم عقل وارد است، این است که هر چند در اینجا حکم عقلی مبنی بر لزوم امتثال وجود دارد اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که موضوع حکم عقل به وجوب امتثال که بنا بر بعضی نظرات بعث هست و بنا بر بعضی نظریات جعل و اعتبار شارع بر ذمه مکلف هست، مطلق است یا اینکه مقید هست؟ بنا بر تصریح همه بزرگان موضوع حکم عقل مقید هست و قید آن عدم ترخیص هست یعنی اگر ترخیصی بر ترک وجود نداشته باشد، عقل حکم به لزوم امتثال طلب شارع می‌کند و مطلق طلب و بعث موضوع حکم عقل نمی‌باشد بلکه بعث مع عدم ترخیص موضوع حکم عقل هست و دلیل آن هم این است که اگر جایی را فرض کنیم که طلب و بعث وجود



داشته باشد اما شارع در مقام بیان وجوب و ندب نباشد بلکه فقط در مقام بیان حسن شیء باشد، قطعاً چنین حکمی وجود ندارد. سؤال بعدی که در اینجا مطرح است این است که بیان وجود قید ترخیص یا عدم ترخیص وظیفه چه کسی است؟ آیا عقل وجود یا عدم ترخیص را بیان می‌کند یا مولی وظیفه بیان قید و شرط را بر عهده دارد؟ در جواب سؤال باید گفت قطعاً بیان این شرط و قید بر عهده شارع است نه عقل و عقل نمی‌گوید که این قید وجود دارد یا خیر بلکه عقل فقط می‌گوید اگر قید ترخیص وجود نداشت امتثال واجب است و در مواردی که قرینه‌ای بر قید و شرط ترخیص در کلام وجود نداشته باشد برای اثبات وجود یا عدم وجود قید و شرط نیاز به وضع یا انصراف و یا اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت داریم. در مباحث آینده روشن خواهد شد که به واسطه اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت وجود موضوع حکم عقلی ثابت می‌شود پس هرچند این حکم عقلی در اینجا وجود دارد اما مقدمات حکمت و اصاله الاطلاق مبین موضوع حکم عقل هست و عقل در حکم خود نیاز به اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت دارد. همین مطلب باعث شده است که معاصرین گرایش به این پیدا کنند که وجه دلالت صیغه امر بر وجوب اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت هست